

پاسداران بزرگ اسلام

اگر روحانیون نبودند ما الان

از اسلام اطلاعی نداشتیم

امام خمینی

شرح طوسی

حوزه‌های علمیه اسلامی و بخصوص شیعی بعنوان بزرگترین پایگاه اسلامی در طول تاریخ اسلام، بهترین مهد پرورش "پاسداران اسلام" بوده و خواهد بود. اگر امام خمینی می‌فرماید که "اگر روحانیون نبودند ما الان از اسلام اطلاعی نداشتیم"، از عمق یک واقعه‌ی خیر می‌دهند، و بهترین دلیل بر وجود چنین امری ارائه تاریخ زندگی و شرح حال علوی بزرگ حوزه‌های ما شد که ضمناً تحلیلی نیز از تحول و تطور علمی و چگونگی حفظ و گسترش علوم اسلامی را در بردارد. این "احوال" نگاری گذشته از نشان دادن یک کیفیت بی نظیر در کاوش علمی زوایای یک مکتب خاص، نام اسلام جنبه سازندگی روحی نیرومندی هم دارد که ناشی از تجسم مکتب در فرد مورد نظر می‌باشد. امیدواریم که مورد توجه خوانندگان قرار بگیرد:

شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن در سال ۳۸۵ هجری قمری در جوار امام هشتم (ع) در طوس چشم بدنیا گشود. طوس در آن وقت مرکز علوم اهل بیت و دانشگاه بزرگ معارف اسلامی بحساب می‌آمد، چرا که این شهر مقدس منزل

و بارگاه امام رضا (ع) است و جاذبه آدم ربایش دل‌های عاشق را از دور و نزدیک بسوی خویش می‌کشاند. شیخ طوسی الگوی علوم اسلامی و مفسر بزرگ قرآن در ۲۰ سالگی با کوله‌باری سنگین از علوم و فنون مختلف بطرف بغداد مهاجرت کرد

در این هجرت مورخین سخنی به میان نیاوردند، ولی از آنجا که در هجرت همواره تکامل انسان مطرح است، بویژه اگر انسان هجرت را با اختیار خود برگزیند، از این رومی توان اولین هجرت شیخ را از طوس به بغداد برای رسیدن به حدی از تکامل فقهی و فراگرفتن فقه و دیگر علوم اسلامی نزد استاد فقه و اصول واقفانوس علم و ادب و فضیلت و زهد و تقوی، پیشاور هبر بزرگ شیعیان در آن زمان "شیخ مفید رضوان الله علیه" دانست.

این شاگرد در محضر استاد دبر - گوارش پنج سال بهمانند و از برکت وجودش استفاده شایان برد و

از او هیچ وقت جدا نشد تا اینکه وعده حق فرار سپید و در سال ۴۱۳ شیخ مفید آن وعده را الیهک گفته به جوار حق تعالی شتافت. پس از شیخ مفید، رهبری دین و پیشوایی مذهب به درخشندترین چهره‌های علمی و بنابر تفسیرین شاگردان شیخ مفید، "سید مرتضی (علم الهدی)" انتقال یافت. شیخ طوسی این فرصت را نیز غنیمت شمرده و ملازمت این استاد را بر خود لازم دانسته از محضر مقدس این دریای بی‌کران بیشتن بهره‌ر گرفت، و استاد نیز به او عنایتی شایان داشت و او را مقدم بر دیگر شاگردانش می‌دانست. این ملازمت بیست و سه سال بطول انجامید، تا اینکه این استاد عالیقدر نیز وفات یافت.

آن روز دیگر در آسمان علم و فضیلت درخشند و ترونورانی تراز شیخ طوسی وجود نداشت، لذا برچم رهبری مسلمین را این بزرگوار بدست گرفت، منزلش در منطقه "کرخ بغداد" و وی و پناهگاه امت شد که گاه بهیجا بسوی او شتافته و مشکلات و مسائل دشوار خود را در مجلسش مطرح کرده و از او راه حل مشکلات و کشف اسرار علوم و رازهای پیچیده احکام فقهیه را می‌خواستند. وجه شهادتی داشت محضر درش با درس مؤسس مذهب امام صادق (ع)، زیرا علمای شیعه و سنی برای فراگرفتن علوم اهل بیت در مقابلش زانو می‌زدند و در سخنان متینش فتون پیچیده علمی را جستجو میکردند در کتاب "الکافی و اللقب" مرحوم شیخ عباس قمی شمارش شاگردان حضرت را بیش از ۳۰۰ هجرتش را به شیعی و سنی شماری از علمای اهل

هجرت دوم

شیخ طوسی تا سال ۴۰۸ هجری در بغداد بود و همواره در تربیت و تعلیم علماء و مجتهدین می‌کوشید تا اینکه دستهای پلید منافقین و دشمنان دین از این وحدت بزرگ مسلمانان رنج برده و شروع به تفرقه افکنی کردند . شیخ با حکمت و متانت این آشوبها و فتنه‌ها را تا حدودی خاموش نمود ، ولی آنها که نمی‌توانستند وحدت مسلمانان را ببینند و این رهبری همگانی را صدمای بزرگ و مرگی جبران ناپذیر برای زندگی ننگین میکرب وار خود می‌پندارند هیچگاه نمی‌توانند دست از توطئه و نقشه‌های خائنانه بردارند و متأسفانه هیچ نصیحتی نمی‌تواند در قلبهای تاریک و سیاهشان کمترین تاثیری بگذارد . این میکربهای خطرناک در هر دوره و زمانی بوده‌ و هستند و مسلماً دوره شیخ طوسی مستثنی نیست .

رفتار فتنه بر نامه‌های وحدت بر انداز منافقین فتنه انگیز افزایش یافت و آتش فتنه که روزانه افروخته ترمی گشت ، ناگهان بزرگترین کتابخانه شیعیان را فرا گرفته و سوزانید ، این کتابخانه آنقدر اهمیت داشت که او را " دارالعلم " می‌نامیدند . استاد محمد کرد علی در جزء ششم کتاب " عطل الشام " نقل کرده که :

این مرکز بزرگ علمی دارای بیش از ده هزار از معتبرترین و گویا بهترین کتابها و آثار علمی بوده است . با قوت حموی در کتاب " معجم البلدان " چنین نوشته است : این کتابخانه که ابونصر شاپور فرزندان شیرکتابها را

وقف عموم کرده ، دارای بهترین و معتبرترین کتابهای خطی بود .

این آتش سوزی منحصر به کتابخانه ابونصر نبود ، بلکه آتش به منطقه کرخ رسیده و آشوب آنچنان توسعه یافت که حتی به علامه دوران " شیخ طوسی " هم احترام نگذاشته و کتابخانهش را آتش زدند ، گویا این منافقین از خدای خیر همیشه با علم و عالمان مخالف و دشمن بوده‌اند .

" این اثیر (مورخ بزرگ) در کتاب " الکامل " می‌نویسد : در سال ۴۴۹ هجری منزل ابوس جعفر طوسی ، فقیه شیعیان در کرخ را تاراج کردند و آنچه در او بود به یغما بردند .

شیخ طوسی که واضع راهسروز آشفته ترمی دید و امکان هیچگونه مصالحای برای او نبود ، به ناچار هجرت کرده و به جوار حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه پناهنده شد . اگر شیخ طوسی با منافقین سازش کرده بود ، قطعاً می‌توانست در آنجا با کمال عزت و احترام بماند و به ادامه تدریس بپردازد ، ولی از آنجا که میردان خدا " *قَدْ عَلِمَ الْكُفَّارُ هَسْتَدُو* " با دشمنان هیچ وقت سرسازش ندارند ، و از آنجا که شیخ علم را برای خود علم نمی‌خواست ، بلکه علم را برای خدا و در راه خدمت بعامت اسلامی میخواست ، لذا بغداد را ترک گفته و به نجف شرف مهاجرت کرد که در آنجا اولین حوزه علمی بود و دانشگاه اسلامی را تشکیل دهد و افتخار تاسیس این مرکز بزرگ فقهی که در طول سالها و قرون خدمات بی شماری به اسلام مسلمین داشته ، به خود اختصاص داد .

شخصیت علمبر

پس از گذشت بیش از هزار سال از ولادت شیخ طوسی می‌بینیم اسم مبارکش بر سر زبانها و لابلای کتابها همچنان زنده و جاوید مانده است ، و تاقیامتا این اسم با جلال و عظمت برده خواهد شد . آیا پس از سپری شدن ده‌ه‌ها و گذشت نسل‌های مختلف ، چگونه می‌توان چنین حکمی قاطع درباره یک فرد بهمان داشت ؟ اینجا ست که ارزش زحمات شبانه‌روزی این شخصیت کم‌نظیر تاریخ برای ما معلوم میگردد .

بسیار سربلایات صالحات و آثار ارزنده علمی او بر زمین تاشاید به مقداری از عظمت او بی‌بهریم . متأسفانه بعضی از فرصت طلبان فکرمی‌کنند که زیاد نوشتن میتواند آنها را در صحنه‌ها غر علمی باقرار دهد ، غافل از اینکه تهمی بودن آنان از محتوای علمی برای دانشندان و علماء بسیار روشن است .

در اینجا ناچارم این نکته را توضیح دهم که بسیاری از علمای بزرگ ما در عین بر محتوی بودن و دانشمند بودن ، تالیفات بسیاری نیز دارند که امیدواریم بتوانیم در شماره‌های آینده از آن بزرگان نیز یاد کنیم و اندکی چرا که بقا دین و مذهب مرهون خدمات و زحمات آنان است .

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود :

" كَتَبُوا قَانِمًا لَا تَحْفَلُونَ حَتَّى تَكْتَبُوا "

نویسید ، چه‌جا نوشتن محفوظ خواهد ماند . و در روایت دیگر به فضل بن عمر می‌فرماید :

" كَتَبُوا وَبِتَّ عَلِمَكَ فِي اخْوَانِكَ قَانِمًا فَارِثٌ كَتَبَكَ بِيَمِينِكَ قَانِمًا يَا نَبِيَّ عَلِيَّ النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ لَا يَأْتُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ "

بنویس و علومت را به برادرانت بسیار که پس از مرگت ، میراث فرزندان تا این کتابها باشد . همانا که زمانی سخت و پر آشوب بر مردم خواهد رسید که تنها به کتابهایشان مانوس خواهند بود .

اگر تاریخ تاریک را ورق بزنیم خواهیم یافت که چه دورانهای دشوار و پر آشوبی بر ایران اهل بیت و علمای دین رسید ، که بدون شک تنها آثار علمی آنهاست که شخصیت و حیثیت آنان را حفظ کرده و تا اینده حفظ خواهد کرد .

یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌ها شیخ طوسی رحمة الله علیهاست . مهمترین و مفیدترین آثار باقیه او دو کتاب " تهذیب " و " استبصار " است که دو کتاب از کتب اربعه شیعه بشمار می‌آید . شیمه‌ها چهار کتاب است که مدار کاصلی فقه و حدیث می‌باشد که عبارتند از " کافیه " و " من لا یحضره الفقیه " و " تهذیب " و " استبصار " و این بزرگوار دو کتاب اساسی و از خود به یادگار گذاشت است .

یکی از معجزات تالیفات شیخ طوسی اصالت آنهاست ، یعنی این کتابها منابع اساسی و اصل ما بحساب می‌آید . کتابخانه سید مرتضی که بیش از هشتاد هزار کتاب داشت ، پس از او زیر نظر شیخ طوسی قرار گرفت و شیخ هم بیشترین استفاده را از آنها کرد ، و در همان زمان دو کتاب تهذیب و استبصار را به رشته تحریر درآورد . او به این دو کتاب اکتفا نکرد ، بلکه در بقیه در صفحه ۴۱ پاسداران نقل / ۵۹

به مفهوم اقتصادی آن درست نیست، هرچند وی در عبادت خدا و تبلیغ فرمان او بیش از هر کس رنج بردهاست. اما پیداست که مولف محترم از این کلمه این مفهوم را نمی خواهد.

نگارنده گوید: این نویسنده محترم معاصریک مطلب را هم فراموش کرده که بنویسد آن این است که کوفسند هائی را که رسول خدا (ص) می چرانید تعدادی از آنها نیز از خود آن حضرت بود که از مادرش آمده به ارت برده بود و بهر صورت برای کسی کوفسند چرانی نکرد و احتیاجی هم به چنین کاری نداشت. و از نظر احترام نیز به خصوص پس از گذشت چند سال از عمر شریف و رسیدن به عنفوان جوانی در انرا مانع و پاکدامنی

مورد احترام عام و خاص مردم مکه قرار گرفت تا جایی که همانطور که می دانیم به "امین" معروف شد و خدیجه با ثروت فراوانی که داشت

را در اختیار آن بزرگوار قرار داد و بدینال از هرگونه رفاه و امکانی در زندگی برخوردار گردید و هیچگونه کمبودی در زندگانی مادی خود

نامشروع بجنگد و برضد طاغوتیان زمان و مستکبران قیام کند و برچم دفاع از محرومان را بدوش کشد. با انواع مشکلات و رنجها و مصائب مواجه گردید. بخصوص پس از رسیدن به چهل سالگی و ماموریت بزرگ الهی که در این باره بدو محول گردید که با انواع تهمت ها و زخم زبانها و شکنجه های روحی و جسمی هم مواجه گردید و تا پایان عمر شریف و بربرکت خود برای انجام این ماموریت و بشمر رساندن آن انقلاب و نهضت و حفظ و حراست آن آئین مقدس پیوسته رنج برد و بهرگونه آزار و اذیت مبتلا گردید تا آنجا که برطبق آن حدیث معروف فرمود:

"ما اودی نسی مثل ما/ اذیت هیچ بهامبری همانند من اذیت و آزار ندید! اذانه دارد

از روزی که پیغمبر اسلام (تصمیم گرفت برضد طاغوتیان زمان و مستکبران قیام کند با انواع مشکلات و رنجها مواجه گردید... تا آنجا که فرمود: هیچ بهامبری همانند من اذیت و آزار ندید.

شسته اخلاق و پاکدامنی و عظمت روح او گردید و خودی و مقدمات از دواج با آن حضرت رافراهم نمود. و با کمال اشتیاق به همسری او درآمد و آزان به بعد نیز ثروت بی حد خود

نداشت و دچار عقده حقارت و با کمبود حجت نیز نشده بود. اما از روزی که تصمیم گرفت با نابرابریهای ناشی از افزون طلبیها و ظلم و ستمها و سود جوئیهای

دنباله پاسداران بزرگ اسلام

بسیاری از علوم و فنون را قبیل: فقه اصول، تفسیر، کلام، رجال، ادعیه و حدیث کتابهایی تالیف کرده که مورد اعتماد و اقتباس و استفاده علماء و عموم مردم در طول قرون و ادوار بوده است.

شیخ قاضی بزرگ طهرانی رحمه الله علیه در کتاب "حیا قال شیخ طوسی" ۵۰ کتاب از کتابهای شیخ طوسی را ذکر کرده است که آنچه تا کنون چاپ شده شرح زیر است:

- ۱- کتاب الرجال، یکی از عمده ترین کتابها در این فن است که مورد حاجت فقها و محدثین است.
- ۲- تهذیب الاحکام و الاستصار فی مختلف من الأخبار که ذکر آنها گذشت.
- ۳- الخلاف، که اختلافات فقهی مسلمین را در آن ذکر کرده، و در موارد اختلاف برای ارجح رایان نموده است.

- ۵- التبیان، کتابی بی نظیر در تفسیر قرآن است و شیخ طوسی در مجمع البیان اعتراف به اقتباس و استفاده از او نموده است. دارای ۱۰ جزو بزرگ است و چندین بار چاپ شده است.
- ۶- مصباح التهجید، در ادعیه و عبادات است.
- ۷- الامالی، آنچه آن بزرگوار بر شاگردانش در نجف شرفیلام کرده است. از احادیث و اخبار ائمه معصومین علیه السلام.
- ۸- العده، در اصول فقه.
- ۹- کتاب "النهایه" در اصول و فروع دین. این کتاب از اولین تالیفات شیخ است.
- ۱۰- اختیارات الرجال
- ۱۱- الفهرست
- ۱۲- المسوط فی الفقه
- ۱۳- الاجاز فی الفرائض
- ۱۴- تلخیص الثانی فی الإمامة
- ۱۵- القیة
- ۱۶- الاقتصاد فی الهادی السی طریق الرشاد.

و اما کتابهایی که تا کنون چاپ نشده، و یا در اثر آتش سوزی کتابخانه، گریخته و سوخته، و یا بدلیل دیگری از بین رفته بدین

- ۱۷- الجمل و العقود فی العبادات
- ۱۸- المفصیح فی الإمامة
- ۱۹- مختصر المصباح فی الادعیه
- ۲۰- هدایة المسترشد
- ۲۱- مناکح الحج
- ۲۲- مختصر اخبار المختار
- ۲۳- مسالقی تحریم الفحاح
- ۲۴- فی وجوب الجزیه
- ۲۵- فی العمل بغير الواحد
- ۲۶- المسائل القتیة
- ۲۷- مقتل الحسن (ع)
- ۲۸- مختصر فی عمل یوم ولیة
- ۲۹- مسالقات الغار
- ۳۰- المسائل فی الفرق بین النبی و الامام
- ۳۱- مالایع العکف الاخلال
- ۳۲- ما یعلل و ما لا یعلل
- ۳۳- شرح التشریح فی الاصول
- ۳۴- مقدمه فی المدخل الی علم الکلام
- ۳۵- ریاضة العقول
- ۳۶- تهذیب الاصول
- ۳۷- اصول العقائد
- ۳۸- انس الوحید
- ۳۹- مسائل ابن البراج
- ۴۰- المسائل الالیاسیه

- ۴۱- المسائل الجنیة
- ۴۲- المسائل الحائرة
- ۴۳- المسائل الحلیة
- ۴۴- المسائل الدمقیة
- ۴۵- المسائل الراریه
- ۴۶- المسائل الرجیة
- ۴۷- مسالقی الاحوال
- ۴۸- تعلیق مالایع
- ۴۹- مسالقی مواقیب الصلاة
- ۵۰- الکافی فی الکلام

وفات شیخ طوسی

پس از گذشت ۱۲ سال از عمر پر برکت شیخ طوسی در نجف شرف، بالاخره عمر مظاهریش (۷۵ سال) در این دنیای فانی تمام شد، و در شب ۲۲ محرم الحرام سال ۴۶۰ هجری زندگی جاویدان خود را در دار آخرت و منزلگاه ابدی آغازید. بنا بر وصیتش او را در منزل خود دفن کردند، و منزلش نیز پس از وفاتش طبق وصیتش مسجدی شد که هم اکنون به مسجد طوسی معروف است.